

چنانکه ماده ۱۹ قانون اصول تشکیلات مقرر داشته که رسیدگی بامور خلافی و جنحه های کوچک با محاکم صلح است و این موضوع در مواد ۱۸۵ و ۲۰۸ و ۲۷۶ اصول محاکمات جزائی نیز تأیید و تکرار شده است و بموجب ماده ۲۰۸ مکرر قانون مزبور وظیفه مدعی العموم را نزد محاکم مزبور کمیسر پلیس و چنانچه در مقرر محکمه صلح نظمی نباشد نایب الحکومه محل یا مدیر دفتر صلحیه بتعیین وزارت دادگستری انجام خواهد داد. از ماده ۲۸۰ قانون اصول محاکمات جزائی که میگوید: کمیسر پلیس یا کدخدا نیز میتواند از احکام مزبوره (مقصود احکام محاکم صلحیه در امور جزائی است) شکایت نماید و شکایت نامه خود را باید نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی بفرستد، معلوم میشود که کدخدا هم در تعقیب امور جزائی بایستی مداخله داشته باشد تا اینکه بتواند از احکام محاکم صلحیه شکایت نماید ولی ماده قانونیکه چنین اجازه ای بکدخدا داده باشد بنظر نمی رسد.

از مطالعه در مواد فوق الذکر و شرحیکه بیان گردید معلوم میشود وظیفه ادارات مدعیان عمومی را که بموجب ماده ۱۹ قانون اصول تشکیلات مأمور بتفتیش جرائم اعم از خلاف و جنحه و جنایت میباشد نسبت بامور خلافی کمیسر های پلیس قانوناً انجام میدهند و آنها باید امور خلافی را تعقیب و مقصر را نزد محکمه صلحیه برده تقاضای صدور حکم مجازات او را بنمایند.

تشکیلات دادسرا بموجب قانون دادرسی و کیفر ارتش بطوریکه در مبحث اول از فصل اول بیان شد تعقیب جنحه عمومی جرائم که از وظائف دولت است و بعهد ادارات مدعیان عمومی واگذار شده است قانون دادرسی و کیفر ارتش این وظیفه یعنی تعقیب جرائمی را که نظامیان مرتکب گشته اند بعهد دادستان ارتش قرار داده که ما بطور مختصر آنرا بیان خواهیم نمود ولی قبل از مطالعه این موضوع لازمست بطور اختصار تعریف محاکم عمومی و محاکم اختصاصی را بنمائیم تا معلوم شود دادگاههای نظامی جزء کدام يك از محاکم مزبور میباشد.

مطابق ماده ۲ قانون اصول تشکیلات عدلیه محاکم بر دو نوع است: عمومی و اختصاصی و ماده سوم همان قانون محاکم عمومی را چنین تعریف کرده است: محاکم

عمومی آنستکه حق رسیدگی بتمام دعاوی دارد غیر از آنچه قانون صراحتاً استثناء کرده است، و ماده چهارم این قانون در تعریف محاکم اختصاصی چنین گفته است «محاکم اختصاصی آنستکه بهیچ امری حق رسیدگی ندارد غیر از آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است.» بنابراین از تعریفی که در دو ماده فوق نسبت بمحاکم عمومی و محاکم اختصاصی شده است معلوم میشود که دادگاههای نظامی جزء محاکم اختصاصی است زیرا دادگاههای مزبور بهیچ امری حق رسیدگی ندارند مگر آنچه را که قانون اجازه داده است و آن عبارت از رسیدگی بجرائم منتسب نظامیان میباشد چنانکه ماده اول از قانون دادرسی و کیفر ارتش که ذیلانقل میشود صریح در اینمعنی بوده و محاکم نظامی را محاکم اختصاصی خوانده است: «ماده ۱ رسیدگی بزوجهای منتسب بنظامیان در دادگاههای اختصاصی نظامی بعمل میآید».

و دادستان ارتش نزد اینمحاکم اختصاصی مأمور انجام وظیفه است بر خلاف مدعیان عمومی که وظیفه دار هستند مجرمین را نزد محاکم عمومی تعقیب نموده و در خواست مجازات آنها را بنمایند.

دادستانی ارتش تشکیلات مخصوصی دارد که کاملاً شبیه بشکیلات دادرسان نزد محاکم عمومی نیست.

بموجب ماده سوم و چهارم قانون دادرسی و کیفر ارتش دادستان ارتش در اداره دادرسی ارتش که در پابخت تشکیل میشود انجام وظیفه مینماید و از لحاظ وظایف قضائی نماینده بزرگ ارتشتاران است مطابق ماده پنجم همان قانون دادستانی ارتش تشکیل میشود از یکنفر دادستان ارتش و یکنفر معاون و بر حسب مقتضیات و احتیاجات چند نفر دادستان و بازپرس.

بموجب ماده دهم، دادستان ارتش نسبت باوریکه بدادستانهای دیوان حرب و یا بازپرسها و یا بسایر ضابطین نظامی رجوع مینماید حق نظارت دارد و در صورتیکه تعلیماتی برای تکمیل تحقیقات باشخاص نامبرده بدهد مکلف باجرای آن هستند و طبق ماده ۱۵ دادستانهای نظامی در انجام وظایف محوله بنام دادستان ارتش اظهار عقیده مینمایند و بموجب ماده ۱۴ در صورت غیبت دادستان ارتش و معاون او وظایف دادستان را موقتاً یکی از دادستانهای نظامیکه از حیث درجه بالاتر است انجام خواهد داد